

فصل اوّل

جهان اجتماعی

تصویر

تصویر

تصویر

● فصل اول - جهان اجتماعی

● انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

۱.

با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن پی می‌برید که

«پیامدهای جهان اجتماعی»

«درهایی که جهان اجتماعی، به روی ما،
می‌گشاید و درهایی که می‌بندد»

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

تصویر فضای شهر و روستا در کنار هم

در درس‌های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما اثر می‌گذارد؟

شاه انوشیروان به موسم دی / رفت بیرون ز شهر بهر شکار / در سر راه دید مزرعه‌ای / که در آن بود مردم بسیار / اندر آن دشت پیرمردی دید / که گذشته است عمر او ز نود / دانه جوز در زمین می‌کاشت / که به فصل بهار سبز شود / گفت کسری به پیرمرد حریص / که: «چرا حرص می‌زنی چندین؟ / پایه‌ای تو بر لب گور است / تو کنون جوز می‌کنی به زمین / جوز ده سال عمر می‌خواهد / که قوی گردد و به بار آید / تو که بعد از دو روز خواهی مرد / گردگان کشتنت چه کار آید؟» / مرد دهقان به شاه کسری گفت: / «مردم از کاشتن زیان نبرند / دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند»

یکی از جامعه‌شناسان به پرسش بالا این‌گونه پاسخ می‌دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از خود ماست. همچنان‌که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از خود آنهاست. شما چگونه فکر می‌کنید؟

کلاس درس خود را به دقت بررسی کنید و سهم خودتان، همعصران و پیشینیان را در شکل‌گیری آن شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

و پیامدهایی برای انسان پدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می‌سازد.

ما انسان‌ها همواره در جهانی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، قواعد، مقررات و هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند اما هر یک از ما نیز صرفاً کنش‌گری منفعل نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم و بسط و توسعه این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند.

هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای ضروری و الزامی آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و در پی آن برداشته شدن الزام‌های آن، جهان اجتماعی جدیدی شکل خواهد گرفت و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

خانه در غار نشینی / کوچ نشینی

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک تک افراد نیست. این پیامدها خود موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

قبلاً از تفاوت کنش انسان‌ها و رفتار حیوانات سخن گفتیم؛ یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرپناه نیاز داریم به لانه و سرپناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات، و نه همه آنها، خانه می‌سازند. خانه حیوانات می‌تواند در مکان، شکل، مصالح، استحکام و... با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد.

ولی مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی‌اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ‌نشین، یکجانشین، شهرنشین متفاوت می‌شود.

جهان اجتماعی همچون خانه‌ای است که انسان می‌سازد؛ ولی پس از ساخته شدن، الزام‌ها

خانه در غار نشینی / کوچ نشینی

چه زمانی پلیس مسیرحرکت جاده چالوس به تهران را یک طرفه اعلام می‌کند پیامدهای الزامی این تصمیم را تشریح کنید.

پیامدهای جهان اجتماعی فرصتاند یا محدودیت؟

کودکی که از پشت حفاظ پنجره بیرون را نگاه می‌کند.

برخی گمان می‌کنند پیامدهای الزامی جهان اجتماعی محدودکننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورند. شما در این باره چگونه فکر می‌کنید؟

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که معماری آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزا، هیچ نقش‌های بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد که ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها را فرصت‌ها و دیوارها را محدودیت‌ها فرض کنیم هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد. منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را برشمارید؟ اما فکر کرده‌اید که اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟ بنابراین مقررات راهنمایی و رانندگی با آن که محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند را در نظر بگیرید. این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن زبان سخن می‌گویند باید این قواعد را یاد بگیرند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار

بیرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچکدام بدون دیگری محقق نمی‌شود. به عبارت دقیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعداد‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت نیازهای مادی و دنیوی انسان بیتوجهانه و با رویکرد دنیاگرای خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.^۱

بیشتر بدانیم

خداوند سبحان در قرآن کریم خانه عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها توصیف می‌کند. (آیه 41، سوره عنکبوت) تار عنکبوت محکم‌ترین ماده بیولوژیک است که تاکنون مورد شناسایی قرار گرفته است؛ تارهای ابریشمی سازنده خانه عنکبوت از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود و به همین خاطر دانشمندان، نام فولاد بیولوژیک را بر آن نهاده‌اند. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هواپیما را به آسانی حمل کند. شکل خانه عنکبوت نیز شگفت‌انگیز است. خانه عنکبوت به شکل دایره‌های متحدالمرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارد. با این حال چرا قرآن آن را سست‌ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ خانه عنکبوت و نه تارهای آن سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان؛ سایه کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تند باد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از عنکبوت نیست. خانه عنکبوت از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی انواع عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ در داخل کیسه تخم می‌بینند؛ این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضا با هم درگیر شده یکدیگر را می‌کشند. خانه عنکبوت وحشی‌ترین خانه‌ها است که در آن خبری از پیوندهای خوبشوندی و عاطفی نیست. بدین ترتیب از مرغوب‌ترین مصالح و اشکال، سست‌ترین خانه بنا می‌شود. خداوند خلقت عنکبوت و خانه‌اش را مذمت نمی‌کند بلکه از آن برای مقایسه استفاده می‌کند. خداوند زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند همچون کسانی می‌داند که به خانه سستی همچون خانه عنکبوت پناه برده‌اند.

۱- زمین با انسان حیات می‌یابد، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می‌یابد. (پیامبر اسلام)

ارتباط با جهان ماوراء طبیعی

ارتباط با جهان ماوراء طبیعی

فعالیت

● فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف به یکدیگر وابسته‌اند و هیچکدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، پاره‌ای از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده و عضو کلاس درس برشمارید.

● سعدی در شعر زیر چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را بر می‌شمارد.
هزاران در از خلق بر خود ببندی / گرت باز باشد دری آسمانی
سفرهای علوی کند مرغ جانت / گر از چنبر آز بازش پرانی
گر از باغ انست گیاهی برآید / گیاهت نماید گل بوستانی
صدف وار باید زبان درکشیدن / که وقتی که حاجت بود در چکانی
همه عمر تلخی کشیدست سعدی / که نامش برآمد به شیرین زبانی

نمونه: فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

سه تصویر آسمان خراش‌ها / تولید اسلحه و بمب اتم / پل‌ها و تونل‌های زیر آب / پرتاب ماهواره به فضا / محوریت پول در جهان غرب / تنهایی انسان مدرن

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف درباره ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، برشمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

جهان‌های اجتماعی را براساس نوع فرهنگ آنها (عقاید و ارزش‌ها) به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ جهان دیگر انکار می‌شود و یا در محدوده منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

فرهنگ معنوی، جغرافیای هستی را فراتر از جغرافیای طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ی آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، اما فرهنگ اساطیری که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می‌شود.

جهان متجدد چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

یکی از متفکرانی که درباره ویژگی‌های جهان متجدد اندیشیده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد؛

جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد. در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و تکنولوژی حاصل از آن، قدرت پیشبینی و پیشگیری حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و... را به انسان می‌دهد.^۱ «قوت افرونگ از علم و فن است/ از همین آتش، چراغش روشن است»^۲

در جهان متجدد کنش‌هایی که اهداف دنیوی را با وسایل و ابزار علوم تجربی تعقیب می‌کنند به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کنند. پیامد این نوع کنش‌ها، افرادی را که قصد تسلط بر جهان را دارند به تدریج، اسیر یک نظام اجتماعی برنامه‌ریزی شده می‌کند که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد.^۳

۱- رشد علوم تجربی و تکنولوژی حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت و جامعه را گسترش «عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

۲- اقبال لاهوری

۳- از این روند به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند و جهان از هیچ‌گونه معنا و قداستی برخوردار نیست. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند، به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند. «در نگاهش آدمی آب و گل است/ کاروان زندگی بیمنزل است»^۴. جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری – که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند – به وسیله عقل از دست می‌رود و داوری درباره این امور به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.^۵

فعالیت

به نظر شما، کدام یک از ویژگی‌های ذکر شده درباره جهان متجدد، فرصت و کدام یک محدودیت است؟ (اصولاً چگونه می‌توان فرصت‌ها و محدودیت‌های یک جهان اجتماعی را مطالعه کرد؟) فیلم عصر جدید را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند را تفسیر کنید. (تصویر فیلم عصر جدید چارلی چاپلین)

۴- اقبال لاهوری

۵- از این روند به زوال معنا و «عقلانیت ذاتی» یاد می‌شود.